

## توزیع جغرافیایی تنوعات واکه‌ای گویش سیستانی در دو بخش شهرکی - نارویی و میانکنگی

عباسعلی آهنگر<sup>۱\*</sup>، پاکزاد یوسفیان<sup>۲</sup>، حسنعلی کدخدای<sup>۳</sup>

۱. دانشیار زبان‌شناسی، دانشگاه سیستان و بلوچستان  
۲. استادیار زبان‌شناسی، دانشگاه سیستان و بلوچستان  
۳. کارشناس ارشد زبان‌شناسی، دانشگاه سیستان و بلوچستان  
دریافت: ۱۳۹۵/۰۷/۱۷ پذیرش: ۱۳۹۵/۱۰/۱۰

### Geographical Distribution of Vowel Variations of Sistani Dialect in Shahraki-Naroui and Miyankangi Regions

Abbasali Ahangar<sup>\*1</sup>, Pakzad Yousefian<sup>2</sup>, Hasanali Kadkhoda<sup>3</sup>

1. Associate Professor of Linguistics, Sistan And Baluchestan University

2. Assistant Professor of Linguistics, Sistan And Baluchestan University

3. MA in Linguistics, Sistan And Baluchestan University

Received: 2016/10/08 Accepted: 2016/12/30

#### Abstract

Each language continues to survive by means of some of its variations. One of the important sub-domains of sociology of language deals with the geographical distributions of these variations. The aim of this study is to investigate the geographical distribution of some vowel variations in Sistani dialect spoken in Shahraki-Naroui and Miyankangi regions of Sistan. To this end, we provided the free speech of one or two of the above fifty-year-old uneducated or less educated female and male speakers in 28 villages. Then a questionnaire including a lexical list was prepared and carried out. Finally, the exact area of each vowel variation was specified by using linguistic maps and drawing isoglosses via Geographical Information System (GIS) software. The research findings reveal that vowel raising, lowering, fronting and backing, and vowel simplification processes are considerably observed in these two regions. Similarly, noticeable Middle Persian linguistic remnants such as vowel length process and some cases of vowel retention can be intentioned. In addition, in spite of the linguistic similarities, because of some differences in the speech of the speakers, some accents could be identified in Sistani dialect spoken in these two regions. The most conspicuous one is *Bârâni* (locally pronounced *Bâmi*) accent in Miyankangi region the speakers of which use the vowel variations more similar to those of the standard Persian language.

**Key Words:** Vowel variation, Isogloss, Sistani dialect, Linguistic maps, Shahraki-Naroui region, Miyankangi region.

#### چکیده

هر زبانی در قالب تعدادی از گونه‌های زبانی به حیات خویش ادامه می‌دهد. یکی از زیرحوزه‌های مطرح در علم جامعه‌شناسی زبان بررسی پراکنش‌های جغرافیایی این تنوعات زبانی است. هدف پژوهش حاضر بررسی توزیع جغرافیایی برخی از تنوعات واکه‌ای در گویش سیستانی در دو بخش شهرکی-نارویی و میانکنگی منطقه سیستان است. بدین منظور، در ۲۸ روستا، از گویشوران زن و مرد مسن و بی‌سواد یا کم‌سواد بالای ۵۰ سال گفتار آزاد تهیه شد. علاوه بر آن، پرسش‌نامه‌ای حاوی فهرستی از واژه‌ها تهیه شد و معادل‌های گویشی آنها استخراج گردید. سرانجام، حوزه دقیق توزیع هر تنوع واکه‌ای با استفاده از نقشه‌های زبانی و ترسیم خط مرزهای همگویی، از طریق نرم‌افزار GIS مشخص شد. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که فرایندهای افزایشی، افتادگی، پیشین‌شدگی، پسین‌شدگی و ساده‌سازی واکه‌ای به طور بارزی در این دو بخش دیده می‌شود. همچنین، می‌توان به بقایای قابل توجه برخی از واکه‌های فارسی میانه و نیز برخی از ویژگی‌های آن دوره، همچون فرایند کشش واکه‌ای، اشاره کرد. به‌علاوه، علی‌رغم شباهت‌های زبانی، به دلیل وجود پاره‌ای از تفاوت‌ها در گفتار گویشوران مورد مطالعه، می‌توان در گویش سیستانی این دو بخش لهجه‌هایی را شناسایی کرد. بارزترین آن‌ها لهجه *بارانی*، با تلفظ محلی /bârni/ در بخش میانکنگی است که کاربرد تنوعات واکه‌ای در میان سخنگویان آن به زبان فارسی معیار نزدیک‌تر است.

**کلیدواژه‌ها:** تنوع واکه‌ای، خط مرز همگویی، گویش سیستانی، نقشه‌های زبانی، بخش شهرکی-نارویی، بخش میانکنگی.

\*corresponding Author: Abbasali Ahangar

Email:ahangar@english.usb.ac.ir

\* نویسنده مسئول: عباسعلی آهنگر

## مقدمه

اگرچه استفاده از روش خط مرز همگویی روشی سنتی در توصیف‌های گویشی محسوب می‌گردد، در این پژوهش، سعی شده است تا با استفاده از این روش تفاوت‌های گویشی در دو منطقه شهرکی - نارویی و میانکنگی نشان داده شود. پژوهش حاضر اولین کاری است که در زمینه تهیه اطلس زبانی و تعیین خط مرزهای زبانی در دو منطقه از سیستان انجام شده است و می‌تواند گامی در جهت پژوهش‌های بعدی به حساب آید.

گویش سیستانی یکی از گونه‌های زبان فارسی است که این زبان، خود، به گروه جنوبی-غربی زبان‌های ایرانی تعلق دارد (ویندفور<sup>۵</sup>، ۱۹۸۹: ۲۴۸؛ مکزی<sup>۶</sup> و دیگران، ۲۰۰۳: ۴۲۷). این گویش که از گویش‌های شرقی زبان فارسی است دارای برخی ویژگی‌های بارز واجی (همچون کشش واجی و خوشه‌های دو همخوانی آغازی) و به‌ویژه ساخت‌واژی (همچون ساختار تصریفی فعل در زمان‌های گذشته ساده، گذشته نقلی، گذشته دور و ...) و همچنین واژه‌هایی است که نه تنها تفاوت آن را با زبان فارسی معیار به وضوح نشان می‌دهند، بلکه ماهیت گویشی و نه لهجه‌ای این گونه زبانی را که تا کنون حفظ شده است، مشخص می‌سازند (نک: لازار<sup>۷</sup>، ۱۹۷۴؛ اویسی‌پور، ۱۳۷۴؛ برجسته دلفروز، ۱۳۷۵؛ محمدی خمک، ۱۳۷۹؛ دوستی، ۱۳۸۰؛ اکاتی، ۲۰۰۸؛ اکاتی، آهانگر و جهانی، ۲۰۰۹؛ خزاعی اصفهانی، ۱۳۸۹؛ آهانگر، ۲۰۱۰). در این راستا، گویش سیستانی دارای دو لهجه مهم *شیب‌آبی* و *پشت‌آبی* است که در تلفظ برخی واژه‌ها به‌خصوص وندهای تصریفی فعل تفاوت‌های آوایی قابل ملاحظه‌ای دارند (نک: آهانگر، ۲۰۱۰). با بررسی‌های بیشتر می‌توان لهجه‌های دیگری را، از جمله آنچه در پژوهش حاضر لهجه *بارانی* شناخته می‌شود، شناسایی کرد.

این گویش دارای همخوان‌های (p, b, t, d, k, g, (ʔ), f, v, s, i:, i, e:, e, z, š, ž, x, ʎ, č, ĵ, m, n, l, r, y و a:, a, u:, u, o:, o, â و واکه مرکب /ow/ است (آهانگر، ۱۳۸۲ و ۲۰۱۰).

گویش سیستانی به عنوان یکی از گویش‌های شرقی زبان فارسی در سیستان واقع در شمال استان سیستان و بلوچستان، استان‌های فراه و نیمروز افغانستان، سرخس ترکمنستان، شمال بلوچستان پاکستان، در برخی نواحی دیگر ایران از قبیل شهر زاهدان، برخی شهرهای استان‌های گلستان و مازندران و شهرهای سرخس و مشهد در استان خراسان رضوی که در آنها تعداد قابل توجهی از گویشوران سیستانی ساکن هستند، رواج دارد (آهانگر، ۲۰۱۰).

زبان پدیده‌ای پویاست که در گذر زمان همواره دستخوش تغییر و تحول بوده است. این تغییرات و تنوعات در حوزه علم گویش‌شناسی که خود زیرشاخه‌ای از زبان‌شناسی اجتماعی است، مورد مطالعه قرار می‌گیرد. این شاخه به توصیف و بررسی سطوح اصلی زبان، شامل دستور، ساخت‌واژه، آواشناسی و واج‌شناسی در زبان‌ها، گویش‌ها و لهجه‌های مورد تکلم در حوزه‌های جغرافیایی مختلف می‌پردازد (جهانگیری، ۱۳۶۵: ۳۷۹). افزون بر این، گویش‌شناسی مطالعه انواع تنوعات زبانی است که می‌تواند در قالب بررسی‌های توصیفی هم‌زمانی و درزمانی صورت گیرد.

هدف از انجام پژوهش حاضر توصیف و نشان دادن توزیع تنوعات زبانی در قالب تنوعات واکه‌ای در دو بخش شهرکی - نارویی و میانکنگی در حوزه سیستان در استان سیستان و بلوچستان و تهیه اطلس زبانی مناطق مورد بررسی است. همچنین در این پژوهش تلاش شده است تا بر اساس تنوعات واکه‌ای، خط مرزهای همگویی<sup>۱</sup> آنها تعیین شود، صورت‌های باقی‌مانده از فارسی میانه مشخص گردد و گونه‌های زبانی مختلف گویش سیستانی در این مناطق ثبت شود. شایان ذکر است که در تبیین و توصیف تنوعات زبانی، از جمله تنوعات واکه‌ای و تعیین مرزهای همگویی در این دو بخش تا کنون هیچ گونه پژوهشی صورت نگرفته است. با توجه به وقوع هم‌زمانی تغییرات زبانی و نیز وجود تنوعات زبانی تاریخی در مناطق مختلف جغرافیایی، انجام چنین پژوهشی در این منطقه بر اساس گویش‌شناسی جغرافیایی ضروری به نظر می‌رسد.

از جمله پژوهش‌های مهم گویش‌شناسی جغرافیایی کشف خط مرزهای همگویی، ترسیم و تهیه اطلس‌ها و نقشه‌های زبانی بوده است. خط مرزهای همگویی دو یا چند ناحیه گویشی را که از لحاظ وجود یا عدم وجود یک عنصر زبانی مانند عنصری واژگانی، تلفظ یک واژه خاص، عنصر یا الگویی نحوی و نوع کاربرد آنها متفاوت‌اند از یکدیگر جدا می‌کنند. نقشه‌های زبانی یا گویشی، ویژگی‌ها و تنوعات گویشی خاص گویشوران نواحی جغرافیایی مختلف را نمایش می‌دهند.

«اصطلاح خط مرز همگویی ابتدا توسط بیلنشتن<sup>۲</sup>، گویش‌شناس لتوانیایی، در سال ۱۸۹۲ مورد استفاده قرار گرفت. او ظاهراً اصطلاح جدیدش را بر اساس اصطلاح هوشناسی «یزوترم<sup>۳</sup>» به معنی «هم‌دما» ساخت. «isogloss» در لغت به معنی زبان برابر «iso+gloss» است. احتمالاً این اصطلاح بیان‌کننده این حقیقت است که خط ترسیم‌شده در عرض یک ناحیه، دو منطقه را در دو طرف آن نشان خواهد داد که در بعضی جنبه‌های کاربرد زبانی مطابقت می‌کنند، اما با همدیگر متفاوت می‌باشند» (چمبرز و تراذگیل<sup>۴</sup>، ۲۰۰۴: ۸۹).

5. Windfuhr  
6. Bearman  
7. Lazar

1. isogloss  
2. Bielenstein  
3. isotherm  
4. Chambers & Trudgil

بررسی و توصیف واجی و ساخت‌واژی و یا گردآوری واژه‌ها و اصطلاحات این گویش پرداخته‌اند. این پژوهش‌ها بدون ارائه تفاوت‌های گویشی در بخش‌های مختلف سیستان صورت گرفته است، به عنوان نمونه، دوستی (۱۳۸۰) به توصیف زبان‌شناختی گویش سیستانی در بخش پشت‌آب با عنوان «بررسی توصیفی ساخت واجی، تصریفی و اشتقاقی واژه در گویش سیستانی ادیمی» پرداخته است. برجسته دلفروز (۱۳۷۲) دستگاه واجی گویش سیستانی را در شهر زابل (در بخش مرکزی) توصیف کرده است. آهنگر (۱۳۸۲) دستگاه واجی گویش سیستانی را بر اساس توصیف داده‌های زبانی گردآوری شده از گویشوران ساکن روستای سکوه در بخش شیب‌آب سیستان بررسی نموده است. خسروی (۱۳۸۶) به بررسی ارتباط بین برخی تنوعات زبانی و اجتماعی در گویش سیستانی بر پایه پژوهش‌های لباو<sup>۲</sup> (۱۹۶۶، ۱۹۷۲) پرداخته است. اکاتی<sup>۳</sup> (۲۰۰۸) به توصیف و تحلیل واج‌شناسی زایشی گویش سیستانی در بخش میانکنگی پرداخته است. اکاتی، آهنگر و جهانی (۲۰۰۹) وضعیت وجود یا فقدان واج‌های همخوان /l/ و /h/ را در گویش سیستانی در بخش میانکنگی مورد بررسی قرار داده‌اند. نتایج این بررسی نشان داد که این واج‌ها در گویش سیستانی در بخش میانکنگی وجود ندارد. در واقع، واج انسدادی چاکنایی /ʔ/ در بعضی واژه‌ها فقط در جایگاه آغازی با /Ø/ (واج صفر) به صورت گونه آزاد<sup>۴</sup> به کار می‌رود. همچنین، این واج معمولاً در واژه‌های قرضی عربی دیده می‌شود. بعلاوه، واج سایشی چاکنایی /h/ فقط در واژه‌های قرضی از زبان فارسی معیار به کار می‌رود، اما نه توسط همه گویشوران سیستانی این منطقه، بلکه توسط افراد تحصیل کرده و کسانی که در شهر زندگی می‌کنند. چنین مواردی در مناطق مورد پژوهش نیز مشاهده گردید. محمدی خُکم (۱۳۷۹) مجموعه‌ای از واژگان بازمانده از زبان سگری در گویش سیستانی را گردآوری کرده است. او همچنین در ابتدای این مجموعه به بعضی ویژگی‌های واجی و ساخت‌واژی گویش سیستان اشاره می‌کند. خزاعی اصفهانی (۱۳۸۹) ساخت‌واژه گویش سیستانی را در شهر زابل توصیف کرده است.

### روش‌شناسی پژوهش

جامعه مورد مطالعه این پژوهش یک یا دو نفر مرد و یک نفر زن از افراد بی‌سواد و مسن بالای ۵۰ سال در هر روستای مورد پژوهش است. در مجموع گویش ۷۳ نفر از ۲۸ روستا مورد مطالعه قرار گرفت. روستاها به صورت تصادفی (۱۴ روستا از هر بخش) انتخاب شدند. در گردآوری داده‌های زبانی، علاوه بر گفتار آزاد، از مصاحبه و پرسش‌نامه در قالب فهرست واژگان و همچنین از یادداشت‌برداری (ضمن مشاهده) استفاده شده

بر اساس جدیدترین تقسیمات کشوری<sup>۱</sup>، منطقه سیستان شامل ۵ شهرستان است: ۱- شهرستان زابل که در مرکز دشت سیستان واقع شده است و مرکز سیستان به شمار می‌آید. این شهرستان در حال حاضر شامل شهر زابل، مرکز این شهرستان و شهر بنجار می‌شود. ولی در گذشته دربرگیرنده بخش مرکزی و بنجار بوده است؛ ۲- شهرستان هیرمند در شمال شرق سیستان که قبلاً دربرگیرنده بخش میانکنگی و مرکز آن، دوست محمد(خان)، بوده است. در حال حاضر این شهرستان شامل شهر دوست محمد، مرکز این شهرستان و دو بخش مرکزی و قرقری است؛ ۳- شهرستان زهک واقع در جنوب شرق سیستان که قبلاً بخش شهرکی-نارویی، به مرکزیت شهر زهک بوده و در حال حاضر به شهرستان تبدیل شده است. این شهرستان شامل شهر زهک، مرکز این شهرستان و دو بخش مرکزی و جزینک است؛ ۴- شهرستان نیمروز که در شمال و شمال غرب سیستان واقع شده و قبلاً بخش پشت آب به مرکزیت ادیمی بوده است؛ در حال حاضر به شهرستان تغییر نام یافته است. این شهرستان به مرکزیت شهر ادیمی شامل دو بخش مرکزی و صابوری نیز می‌شود؛ ۵- شهرستان هامون واقع در جنوب و جنوب غرب سیستان که قبلاً بخش شیب‌آب و مرکز آن محمدآباد بوده است؛ در حال حاضر شهرستان شده است. این شهرستان شهر محمدآباد، مرکز شهرستان و بخش‌های مرکزی و تیمورآباد را شامل می‌شود.

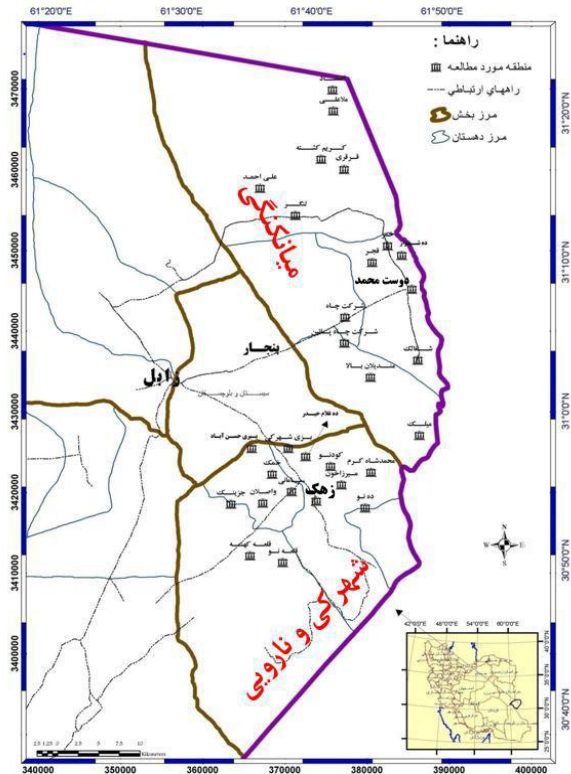
بر طبق سالنامه آماری ۱۳۹۰ استان سیستان و بلوچستان، شهرستان مرزی هیرمند (بخش میانکنگی) با تعداد ۱۴۸۵۷ خانوار جمعیتی معادل ۶۵۴۷۱ نفر دارد که از این تعداد ۶۷۷۴ نفر در نقاط شهری و ۵۸۶۹۷ نفر در نقاط روستایی ساکن‌اند. از کل جمعیت بخش میانکنگی ۳۲۶۸۲ نفر مرد و ۳۲۷۸۹ نفر زن هستند (هاشم‌زاده، ۱۳۹۲: ۹۷). بر اساس همین سالنامه آماری از ۲۵۳۴۳۲۷ نفر جمعیت این استان، شهرستان مرزی زهک (بخش شهرکی-نارویی) با ۱۷۸۸۰ خانوار جمعیتی معادل ۷۵۴۱۹ نفر را در خود جای داده است که از این تعداد ۱۴۳۲۴ نفر در نقاط شهری و ۶۱۰۹۰ نفر در نقاط روستایی زندگی می‌کنند. از کل جمعیت ۷۵۴۷۱ نفری که در این بخش زندگی می‌کنند ۳۷۲۹۵ نفر مرد و ۳۸۱۲۴ زن هستند (همان).

### پیشینه پژوهش

تا کنون در خصوص اطلس گویشی سیستانی پژوهش مشابهی صورت نگرفته است. اکثر پژوهش‌های انجام‌شده پیرامون گویش سیستانی به

۱. پژوهش حاضر بر اساس تقسیمات کشوری قبلی منطقه سیستان انجام شده است، بنابراین جهت حفظ اصالت پژوهش، در اینجا، توضیحات و نقشه‌ها نیز بر همان اساس ارائه شده است.

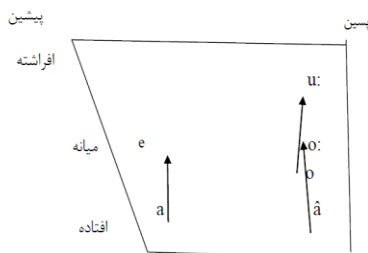
2. Labav  
3. Okati  
4. free variation



نقشه ۱. نقشه راهنمای مناطق مورد پژوهش

### افراشتگی واکه‌ای

«به نظر می‌رسد که فرایند قدرتمند برخاستگی [افراشتگی] واکه، در زمانی در دوره میانه آغاز شده و تا امروز امتداد یافته است» (جهانگیری، ۱۳۷۸: ۷۶). افراشتگی واکه‌ای در منطقه سیستان به طور گسترده به کار می‌رود. در شکل زیر کلیه تنوعات واکه‌ای گویش سیستانی دو بخش مورد پژوهش که در آنها افراشتگی صورت گرفته مشخص شده است. در ادامه، به توصیف و تبیین آنها پرداخته می‌شود.



شکل ۱. تنوعات واکه‌ای افراشتگی

### الف) افراشتگی واکه [â] و تبدیل آن به [o:]

PH1 [rân], PH2 [dandân], PH3 [nân], به ترتیب: «ران»<sup>۴</sup>

۴. PH علامت اختصاری Phonological Variation است. در ادامه مقاله، نمونه‌هایی از تنوعات آوایی ذکر شده و توزیع جغرافیایی آن‌ها مشخص می‌شود.

است تا نحوه کاربرد واژه‌ها هم درون بافت جمله و هم به‌تنهایی، خارج از بافت، به طور دقیق‌تر مشخص گردد. در تهیه پرسش‌نامه، فهرستی از صورت‌های فارسی میانه که در گفتار گویشوران مشاهده شده و با صورت‌های زبان فارسی میانه از فرهنگ فشرده پهلوی (مکنزی، ۱۹۷۱) تطبیق داده شده بود گنجانده شد. داده‌های زبانی از حدود ۵۰۰ دقیقه گفتار آزاد و مصاحبه انجام شده با آزمودنی‌ها پیرامون وضعیت زندگی، داستان، خاطره، وضعیت روستا و غیره و همچنین از پرسش‌نامه گردآوری شدند. پیکره زبانی جمع‌آوری شده از گفتار گویشوران پس از چند بار گوش دادن آوانویسی شد. پس از تهیه فهرست صورت‌های زبانی آوانویسی شده ۲۸ نقطه مورد پژوهش، تنوعات واکه‌ای بر حسب جهت تغییرشان و بررسی در زمانی آنها در مقایسه با دوره میانه دسته‌بندی، توصیف، محاسبه و تحلیل گردیده، توزیع هر یک از آنها بر روی نقشه‌ای مستقل نشان داده شده است.<sup>۲</sup> نقشه‌ها و ترسیم خط مرزهای زبانی با استفاده از نرم‌افزار "GIS" که از دقت کافی برخوردار است، صورت پذیرفته است. نقشه شماره ۱، به عنوان نقشه راهنما، مجموعه روستاهای مورد پژوهش در دو بخش مورد نظر را نشان می‌دهد.

### تجزیه و تحلیل داده‌ها

در این پژوهش، تنوعات واکه‌ای مشاهده شده<sup>۳</sup>، شامل تبدیل یک واکه به واکه دیگر و یا حفظ واکه با توجه به بررسی در زمانی آن در مقایسه با دوره میانه، ارائه می‌شود. تنوعات واکه‌ای به دو گروه ساده و مرکب تقسیم شده‌اند. ترسیم خط مرزهای همگویی بر روی نقشه راهنمای زیر صورت گرفته است.

### تنوعات واکه‌ای ساده

در آواشناسی، واکه‌ها بر حسب ماهیت تولیدی به دو دسته واکه‌های ساده و مرکب تقسیم شده‌اند. «هرگاه در تولید یک واکه اندام‌های گویایی در یک حالت بمانند، به طوری که در تمام مراحل تولید شکل لب‌ها، ارتفاع و حالت زبان یکسان بماند، آن واکه را ساده می‌نامند» (حقوق‌شناس، ۱۳۸۰: ۱۰۵). در این پژوهش، تنوعات واکه‌ای ساده مشاهده شده، بر حسب جهت تغییر، در قالب فرایندهای زیر ارائه شده‌است: افراشتگی، افتادگی، پیشین‌شدگی، پسین‌شدگی، افراشتگی-پیشین‌شدگی، افتادگی-پیشین‌شدگی، پسین‌شدگی-افراشتگی، مرکب‌شدگی، کشش واکه‌ای و حفظ یا بقاء واکه.

1. Mackenzie

۲. در این مقاله، جهت صرفه‌جویی در تعداد صفحه از ارائه همه نقشه‌های زبانی صرف نظر شده است.

۳. یک واژه ممکن است حامل بیش از یک نوع باشد که در اینجا از ذکر و بررسی سایر تنوعات آن صرف نظر شده است.

لنگر، صورت فارسی معیار /â/ کاربرد دارد. طایفه بارانی و لکزیایی در این روستاها به دلیل دامدار بودن و مهاجرت به بخش نهبندان و سربیشه واقع در استان خراسان جنوبی در فصل خاصی از سال مجبورند در این مناطق به فارسی معیار صحبت کنند. پس گفتار آنها بیشتر تحت تاثیر فارسی معیار است. بدین ترتیب در دو بخش مورد پژوهش، ۸۶٪ [xo:m]، ۱۱٪ [xâm] و ۳٪ هر دو صورت کاربرد دارد. این تنوعات در نقشه شماره ۲ نشان داده شده است.

### ب) افراشتگی واکه [a] و تبدیل آن به [e]

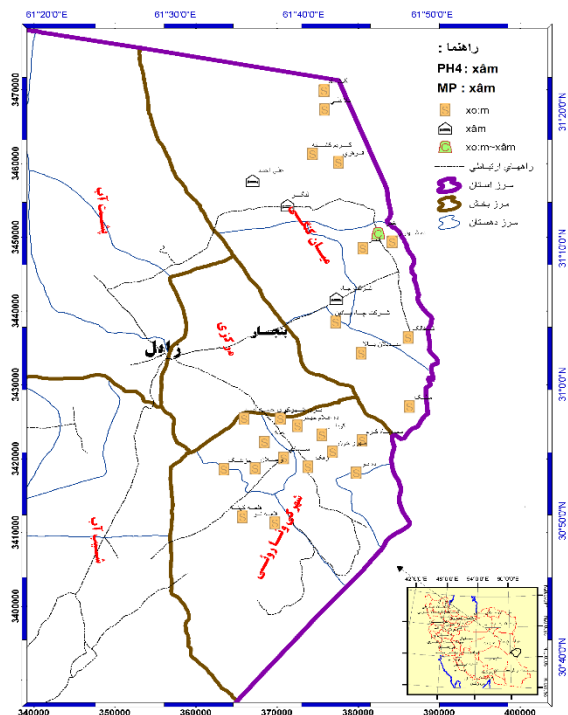
واکه [a] فارسی معیار، در گویش سیستانی دو بخش مورد پژوهش، در مجاورت همخوان‌ها که به دلیل همخوان بودن بسته‌تر از واکه‌ها تلفظ می‌شوند، در اثر همگونی پسر و تبدیل به واکه [e] می‌شود.

PH5 [ʔâhan]، PH6 [nam]، به ترتیب: «آهن» و «نم». این دو واژه نشان می‌دهند که در این دو بخش واکه [a] هم‌زمان با حذف همخوان [h] در PH5 افراشته شده و [e] تلفظ می‌شود؛ این واژه‌ها به ترتیب به صورت [âen] و [nem] کاربرد دارند. صورت [âen] و صورت‌های زبانی دیگر مانند [owinak] (عینک) نشان می‌دهد که در منطقه مورد پژوهش توالی واکه‌ای وجود دارد. در روستای علی احمد، در PH6 و در روستاهای خمر و ملاعلی، در PH5 واکه [a] حفظ شده است؛ اما در این دو روستا همخوان [h] در PH5 حذف می‌شود. در چند نقطه مانند خمر (xa:mak)، اصلان و پیری PH5 دقیقاً مثل فارسی معیار تلفظ می‌شود. تنوعات واکه‌ای مربوط به واژه «آهن» در نقشه شماره ۳ ارائه شده است.

PH7 [kandan]، PH8 [ramazân]، PH9 [xande]، PH10 [sang] به ترتیب: «کندن»، «رمضان»، «خنده»، «سنگ». این تنوعات نشان می‌دهند که در تمامی نقاط مورد پژوهش، واکه [â] فارسی معیار و دوره میانه (مکنزی، ۱۹۷۱: ۴۹، ۷۴ و ۹۴) [e] تلفظ می‌گردد و افراشتگی واکه‌ای صورت گرفته است. این واژه‌ها به صورت [kenda:]، [rema:zo:] کاربرد دارند. فقط در روستای علی احمد، این واکه حفظ شده است و به همان صورت فارسی معیار به کار می‌رود. صورت‌های [puzxa:nd] و [alabâš] که تنوع واژگانی PH9 هستند نیز کاربرد دارند. بدین ترتیب، در دو بخش مورد پژوهش، ۹۶٪ [kenda:]، ۴٪ [rema:zo:]، ۸۹٪ [rema:zo:]، ۴٪ [ramazân]، ۳٪ [romazo] و ۸۹٪ [xenda]، ۴٪ [xanda]، ۷٪ صورت‌های [puzxa:nd] و [alabâš]، ۹۳٪ [seng] و ۷٪ [sang] کاربرد دارد.

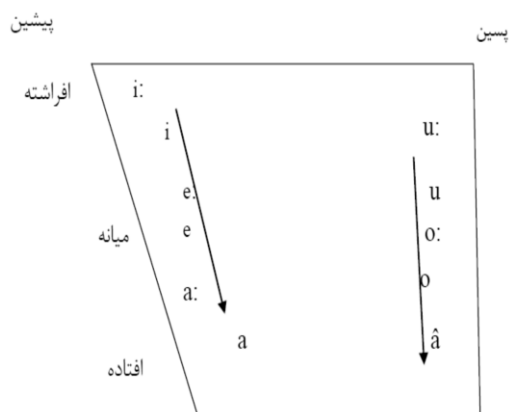
«دندان»، «نان». این واژه‌ها نشان می‌دهند که زنجیره آوایی [ân] دوره میانه (مکنزی، ۱۹۷۱: ۱۳۶، ۱۳۷، ۱۰۵)، در تمام بخش‌های مورد پژوهش، در پایان واژه با حذف همخوان [n] به [o:] تبدیل شده و افراشتگی واکه‌ای صورت گرفته است؛ پس این واژه‌ها به صورت [dendo:]، [ro:]، کاربرد دارند؛ اما در هنگام اضافه شدن این اسامی به واژه‌های دیگر، همخوان [n] مجدداً ظاهر می‌شود. به جز در گویش ساکنین روستاهای علی احمد، لنگر و شرکت چاه بالا که در واژه [rân] و در روستای علی احمد در واژه [nân] هنگامی که به تنهایی به کار می‌روند نیز همخوان [n] ظاهر می‌شود. این فرایند را در بعضی تنوعات دیگر مانند PH 42 [nehbandân] «نهبندان» نیز می‌توان مشاهده کرد. بدین ترتیب، در دو بخش شهرکی-نارویی و میانکنگی واکه [â] ۱۰۰٪ دچار افراشتگی شده است که ۱۱٪ با [n] در واژه [rân] و ۴٪ با [n] در واژه [nân] کاربرد دارد.

PH4 [xâm]، «خام». این واژه نشان می‌دهد که واکه [â] دوره میانه (مکنزی، ۱۹۷۱: ۱۲۹) قبل از همخوان [m] افراشته شده و در هر دو بخش معمولاً [o:] تلفظ می‌شود. بنابراین، این واژه به صورت [xo:m] کاربرد دارد. در روستای خمر این صورت و صورت فارسی معیار آن رایج است. در سه روستای علی احمد، شرکت چاه بالا و



نقشه ۲. توزیع واژه «xâm»

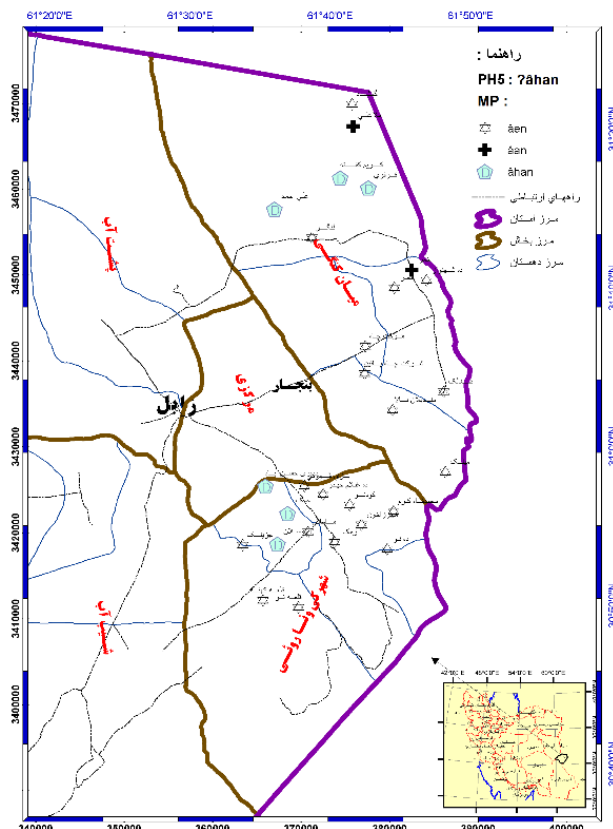
۱. به دلیل اینکه پژوهش حاضر کاری صرفاً واج‌شناختی نیست و توضیحات ارائه‌شده در خصوص تنوعات آوایی واضح است و همچنین جهت صرفه‌جویی در تعداد صفحات مقاله از ارائه قواعد واجی صرف نظر شده است.



شکل ۲. تنوعات واکه‌ای افتادگی

### الف- افتادگی واکه [i:] و تبدیل آن به [e]

PH13 [ri:smân] «ریسمان». این واژه نشان می‌دهد که واکه [i:] فارسی معیار و دوره میانه [rištæg] در این دو بخش [e] تلفظ می‌شود و افتادگی واکه‌ای صورت گرفته است. این واژه در گویش سیستانی این دو بخش ۸۹٪ به صورت [resmo:] کاربرد دارد. فقط در دو روستای علی احمد و بزى، پسین‌شدگی و افتادگی روی داده است و [o] تلفظ می‌شود. این واژه ۴٪ به صورت [rosmo:] و ۴٪ به صورت [rospon] کاربرد دارد. در روستای شرکت چاه بالا، صورت معیار رایج است که ۳٪ را شامل می‌شود. تنوعات مربوط به واژه «ریسمان» در نقشه شماره ۴ آمده است.



نقشه ۳. نقشه توزیع واژه «[Zahan]»

### ج) افراستگی واکه [o] و تبدیل آن به [u]

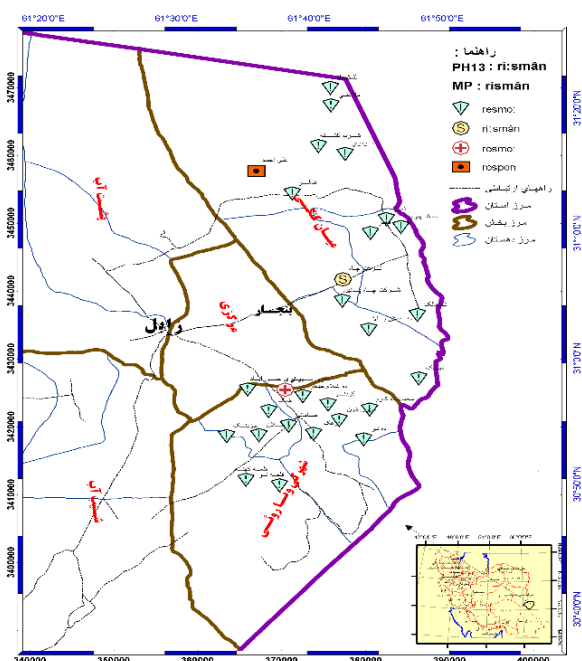
PH11 [pof] «پف». این واژه نشان می‌دهد که واکه [o] در دو بخش مورد پژوهش ۱۰۰٪ افراشته شده و به [u] تبدیل گشته است؛ واژه به صورت [puff] به کار می‌رود.

### د) افراستگی واکه [o] و تبدیل آن به [u:]

PH12 [do] «دو». این واژه نشان می‌دهد که واکه [o] فارسی معیار و [o:] دوره میانه (مکنزی، ۱۹۷۱: ۲۶) به طور متوسط در بعضی نقاط حفظ شده است و واژه [do] ۵۰٪ به صورت [do:] کاربرد دارد. در بعضی نقاط دیگر افراستگی صورت می‌گیرد و [u:] ۴۶٪ تلفظ می‌شود؛ پس واژه [do] به صورت [du:] به کار می‌رود. ۴٪ هر دو صورت کاربرد دارد. البته این زمانی است که واژه [do] به تنهایی بیاید و گرنه در ترکیب با سایر واژه‌ها صورت [du] کاربرد دارد مانند [du ro:z] «دو روز».

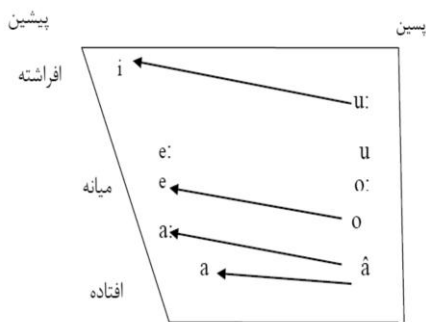
### افتادگی واکه‌ای

در شکل زیر کلیه تنوعات واکه‌ای که در آنها افتادگی صورت گرفته مشخص گردیده است.



نقشه ۴. نقشه توزیع واژه «[ri:smân]»

گرفته است؛ این واژه‌ها ۶۸٪ و ۹۳٪ به صورت [ja:da], [ra:] تحقق یافته‌اند. فقط، در روستای شرکت چاه بالا، در PH19 و در علی احمد، در هر دو مورد PH19 و PH20 واکه [â] حفظ شده است. لازم به ذکر است که در چند روستا در بخش میانکنگی به جای واژه [jâdde] از واژه [sarrak] استفاده می‌شود که یک تنوع واژگانی است. به گفته گویشوران، این یک واژه قرضی از زبان پشتو است که در میان مرزنشینان رایج شده و در حال فراموشی است. روستای کریم‌کشته، افراد بزرگسال به جای این واژه از [xatta] استفاده می‌کنند و در خمک، دو صورت [xa:t] و [ja:da] کاربرد دارد که [xa:t] تنوع واژگانی محسوب می‌شود. در روستای شغالک، به جای واژه [râh]، واژه [xatta] کاربرد دارد که یک تنوع واژگانی است.



شکل ۳. تنوعات واکه‌ای پیشین‌شدگی

**ب) پیشین‌شدگی واکه [â] و تبدیل آن به [a]**  
PH21 [bâšad] «باشد». این تنوع نشان می‌دهد که [â] فارسی معیار در این دو بخش به [a] تبدیل شده و پیشین‌شدگی واکه‌ای صورت گرفته است. این واژه ۸۶٪ به صورت [baša] کاربرد دارد؛ اما در سه روستای شرکت چاه بالا، لنگر و علی احمد، [â] به همان صورت اولیه حفظ شده است. این واژه ۱۱٪ به صورت [bâša] به کار می‌رود؛ در روستای میرزاخون، این واژه ۳٪ به صورت [baššigo] کاربرد دارد. نقشه شماره ۵ توزیع تنوعات واژه «باشد» را نشان می‌دهد.

**ج) پیشین‌شدگی واکه [u:] و تبدیل آن به [i]**  
PH22 [jâru:] , PH23 [dâru:]، به ترتیب: «جارو» و «دارو». این واژه‌ها نشان می‌دهند که [u:] در اکثر نقاط مورد پژوهش ۶۸٪ به واکه [i] تبدیل شده است که پیشین‌شدگی واکه‌ای روی داده و این واژه‌ها به صورت [jowri] و [dowri] به کار می‌روند. در هشت نقطه، [u:] حفظ شده است و به صورت فارسی معیار به کار می‌رود. در دو روستای قلعه کهنه و لنگر نیز، به جای واژه [dâru:] از واژه [davâ] که یک تنوع واژگانی است، استفاده می‌شود. در روستای

PH14 [ʔi:stâd], PH15 [ri:xt]، به ترتیب: «ایستاد» و «ریخت». این واژه‌ها نشان می‌دهند که [i:] فارسی معیار در اکثر نقاط این دو بخش [e] تلفظ می‌شود و در نتیجه، افتادگی واکه‌ای صورت گرفته است. این واژه‌ها ۷۵٪ به صورت [besta] و ۸۲٪ به صورت [brext] به کار می‌رود. فقط در روستای علی احمد، این واکه در PH14 [o] تلفظ می‌شود و پسین‌شدگی-افتادگی واکه‌ای صورت گرفته است. واژه [ʔi:stâd] ۴٪ به صورت [ostâd] کاربرد دارد. تنوع PH14، در لنگر و شرکت چاه بالا، ۷٪ به صورت [estâde] و در مندیلان، ۳٪ به صورت [bestâ] و تنوع PH15، در میرزاخون و غلام حیدر، ۷٪ به صورت [brextak] رایج است.

### ب) افتادگی واکه [u:] و تبدیل آن به [o]

PH16 [bu:te]، «بوته». این واژه نشان می‌دهد که واکه [u:] فارسی معیار در این دو بخش تبدیل به [o] شده و افتادگی واکه‌ای رخ داده است. بوته در هر دو بخش ۱۰۰٪ به صورت [botta] کاربرد دارد.

PH17 [gu:št]، «گوشت». این واژه نشان می‌دهد که در این دو بخش، در واکه [o:] دوره میانه [go:št] (مکنزی، ۱۹۷۱: ۳۷) و [u:] فارسی معیار، افتادگی صورت گرفته است و با [o] جایگزین شده‌اند. این واژه، در دو بخش مورد پژوهش، ۱۰۰٪ به صورت [gošt] به کار می‌رود.

### ج) افتادگی واکه [o] و تبدیل آن به [â]

PH1 [xodru:]، «خودرو» در «گیاه خودرو». این واژه نشان می‌دهد که واکه [o] فارسی معیار در اکثر موارد [â] تلفظ می‌شود و افتادگی واکه‌ای صورت گرفته است. این واژه ۸۲٪ به صورت [xâdro:] کاربرد دارد و فقط در روستای شهناز واکه [o] حفظ شده است. البته در بعضی نقاط به جای این واژه ۱۸٪ از واژه‌های دیگر مانند [ala:f], [ga:yâ], [yolla] و [čam:nd] استفاده می‌شود که تنوع واژگانی محسوب می‌شوند.

### پیشین‌شدگی واکه‌ای

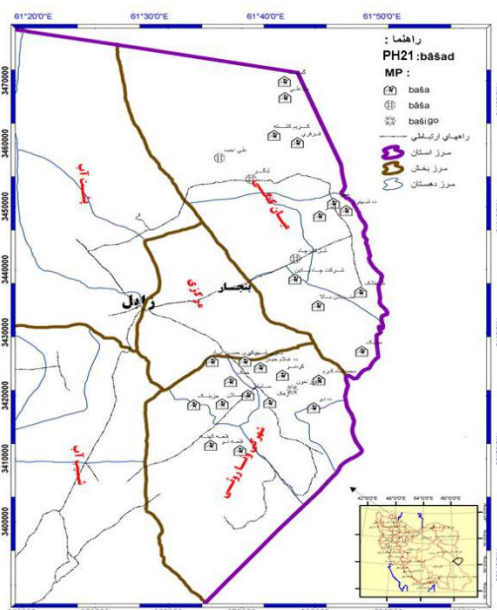
در شکل زیر کلیه تنوعات واکه‌ای که در آنها پیشین‌شدگی صورت گرفته مشخص شده است.

### الف) پیشین‌شدگی واکه [â] و تبدیل آن به [a:]

PH19 [jâdde], PH20 [râh]، به ترتیب: «جاده» و «راه». این تنوعات نشان می‌دهند که در اکثر روستاهای مورد پژوهش [â] دوره میانه (مکنزی، ۱۹۷۱: ۷۰) [â:] تلفظ می‌شود و پیشین‌شدگی صورت



خمر، هر دو صورت کاربرد دارد. در روستای شرکت چاه بالا، PH22 به صورت [jâri] و در روستاهای قلعه کهنه، شغالک و گمشاد، به صورت [jowru] کاربرد دارد.

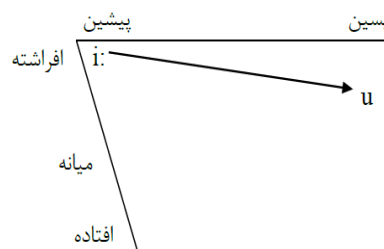


نقشه ۵. نقشه توزیع واژه «[bâšad]»

**د) پیشین‌شدگی واکه [o] و تبدیل آن به [e]**  
در گویش سیستانی این دو بخش، واکه پیشین [o] فارسی معیار در مجاورت همخوان‌های پیشین، به‌ویژه قبل از [m] مشخصه [پیشین] خود را از دست می‌دهد و مشخصه [+پیشین] می‌گیرد. PH24 [dom] «دم». این واژه نشان می‌دهد که واکه [o] فارسی معیار به جز در سه روستای شرکت چاه بالا، لنگر و علی احمد، در بخش میانکنگی، ۸۹٪ [e] تلفظ می‌شود و پیشین‌شدگی صورت گرفته، واژه به صورت [demmm] تحقق یافته است. این واکه در دوره میانه (مکنزی، ۱۹۷۱: ۲۸) [u] و واژه به صورت [dum(b)] بوده است.

### پسین‌شدگی واکه‌ای

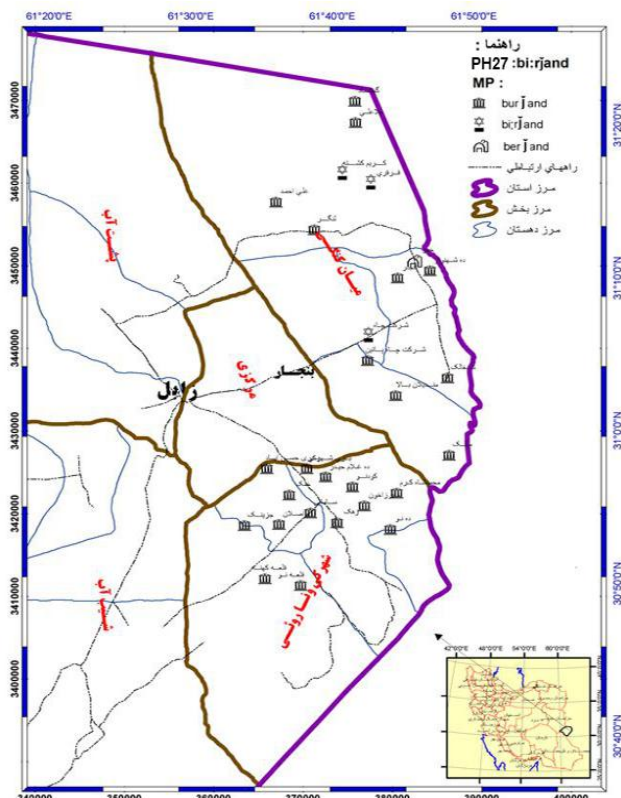
در شکل زیر تنوع واکه‌ای که در آن پسین‌شدگی صورت گرفته مشخص شده است.



شکل ۴. تنوع واکه‌ای پسین‌شدگی

### الف) پسین‌شدگی واکه [i:] و تبدیل آن به [u:]

ترتیب: «ریش»، «پیرمرد» و «بیرجند». این واژه‌ها نشان می‌دهند که واکه [i:] فارسی معیار که در PH25 [ri:š] PH26 [pi:rmard] PH27 [bi:rjand]، به ترتیب: «ریش»، «پیرمرد» و «بیرجند». این واژه‌ها نشان می‌دهند که واکه [i:] فارسی معیار که در PH25 در دوره میانه (مکنزی، ۱۹۷۱: ۷۱) [e:] بوده است و واژه به صورت [re:š] به کار می‌رفته، در اکثر نقاط دو بخش به [u] تبدیل شده و پسین‌شدگی واکه‌ای اتفاق افتاده است. واژه‌ها به ترتیب ۶۴٪، ۷۱٪ و ۸۶٪ به صورت [ruš]، [purmard] و [burjand] به کار می‌روند. در بعضی نقاط، هر سه واژه به همان صورت معیار تلفظ می‌گردد. در روستای خمر، واکه [i:] در [ePH27] تلفظ می‌شود و افتادگی واکه‌ای صورت گرفته است. بنابراین، PH27 [berjand] تلفظ می‌شود. توزیع تنوعات واژه «بیرجند» در نقشه شماره ۶ نمایش داده شده است.



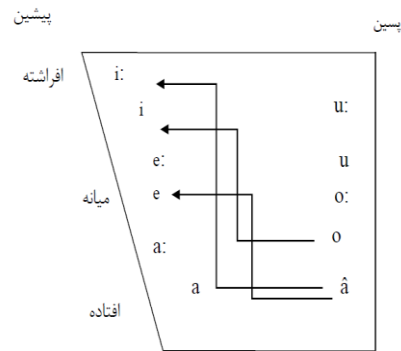
نقشه ۶. نقشه توزیع واژه «[bi:rjand]»

### افراستگی-پیشین‌شدگی واکه‌ای

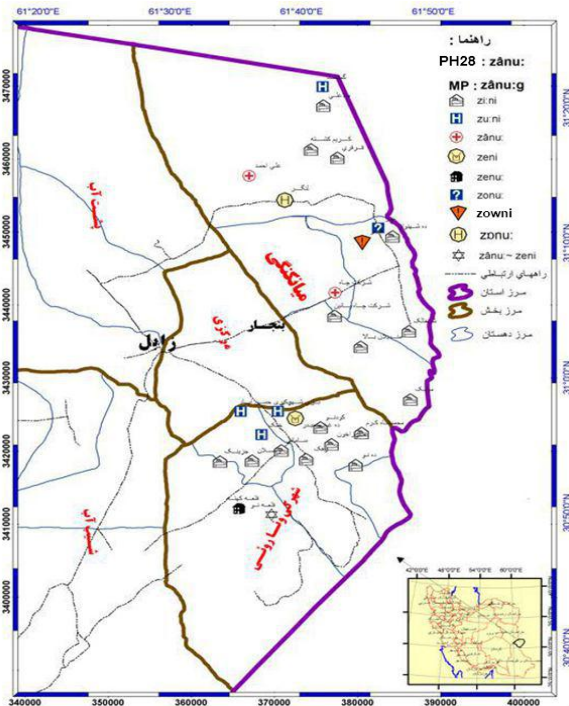
در شکل زیر کلیه تنوعات واکه‌ای که در آنها افراستگی-پیشین‌شدگی صورت گرفته، نشان داده شده است.



صورت [nowzik] به کار می‌رود. در نقاط دیگر، واکه [u] دوره میانه حفظ شده است و واژه ۳۲٪ به صورت [nâzuk] کاربرد دارد. توزیع تنوعات مشاهده‌شده در واژه «نازک» در نقشه شماره ۸ نشان داده شده است.

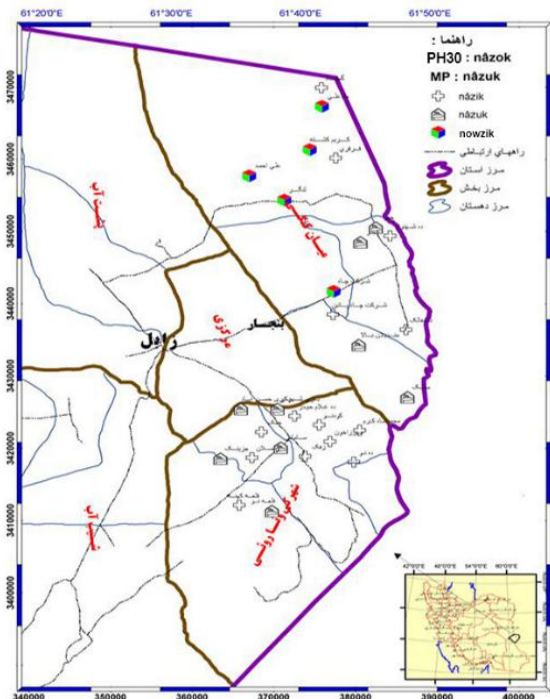


شکل ۵. تنوعات واکه‌ای افراستگی-پیشین‌شدگی



نقشه ۷. نقشه توزیع واژه «[zânu:]»

**الف) افراستگی-پیشین‌شدگی واکه [â] و تبدیل آن به [i:]**  
 PH28 [zânu:] «زانو». این واژه نشان می‌دهد که واکه [â] دوره میانه در [zânu:g] (مکنزی، ۱۹۷۱: ۹۸)، در چهار نقطه خمک، پیری، گمشاد و بزی، افراشته شده و [u:] تلفظ می‌شود. این واژه ۱۴٪ به صورت /zu:ni/ کاربرد دارد. در اکثر نقاط، افراستگی-پیشین‌شدگی صورت گرفته است و [i:] یا [e] تلفظ می‌گردد. این واژه ۳٪ به صورت [zeni] و ۵۷٪ به صورت [zi:ni] به کار می‌رود. در دو نقطه شرکت چاه بالا و علی احمد نیز، این واکه ۷٪ به همان صورت اولیه حفظ شده است و در روستای لنگر، به همان صورت ولی کمی گرد در واژه [zõnu:] و به میزان ۴٪ تلفظ می‌شود. در روستای قجر، به واکه مرکب تبدیل شده و واژه ۴٪، به صورت [zowni] بیان می‌گردد. در روستای خمر، این واکه افراشته شده و واژه ۴٪ به صورت [zõnu:] کاربرد دارد. این واژه، در قلعه نو، ۳٪ به دو صورت [zânu:] و [zeni] و در قلعه کهنه، ۳٪ به صورت [zenu:] به کار می‌رود. نقشه شماره ۷ توزیع تنوعات مشاهده‌شده در واژه «زانو» را نمایش می‌دهد.



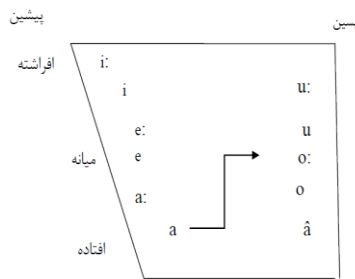
نقشه ۸. نقشه توزیع واژه «[nâzuk]»

**ب) افراستگی-پیشین‌شدگی واکه‌ای [â] و تبدیل آن به [e]**  
 PH29 [dâšt] «داشت». این واژه نشان می‌دهد که در تمامی نقاط [â] دوره میانه (مکنزی، ۱۹۷۱: ۲۵) به /e/ تبدیل شده و افراستگی-پیشین‌شدگی روی داده است؛ واژه ۹۳٪ به صورت [dešt] به کار می‌رود. در دو روستای شه‌نواز و مندیلان، پسوند [-ak] که معمولاً شناسه سوم شخص مفرد گذشته ساده است، به آن اضافه می‌شود و واژه ۷٪ به صورت [deštak] کاربرد دارد.

**ج) افراستگی-پیشین‌شدگی واکه [o] و تبدیل آن به [i]**  
 PH30 [nâzuk] «نازک». این واژه نشان می‌دهد که واکه [u] دوره میانه [nâzuk] (مکنزی، ۱۹۷۱: ۵۸) که در فارسی معیار به [o] تبدیل شده است، در نوزده نقطه، به صورت [i] آمده و پیشین‌شدگی رخ داده است؛ واژه ۵۰٪ به صورت [nâzik] و ۱۸٪ به

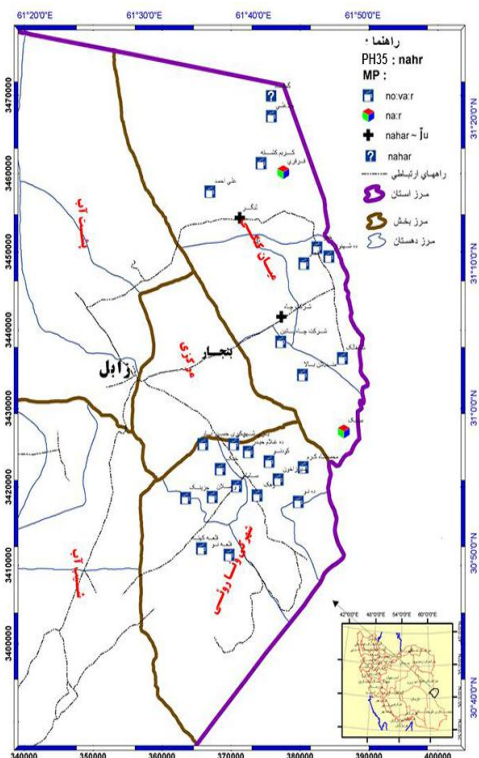
### افتادگی-پیشین‌شدگی واکه‌ای

در شکل زیر تنوع واکه‌ای که در آن افتادگی-پیشین‌شدگی صورت گرفته نشان داده شده است.

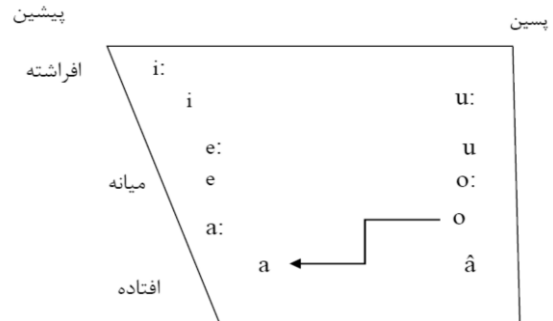


شکل ۷. تنوع واکه‌ای پسین‌شدگی-افراستگی

**الف) پسین‌شدگی-افراستگی واکه [a] و تبدیل آن به [o:]**  
 PH35 [nahr] «نهر». این واژه نشان می‌دهد که واکه [a] فارسی معیار در اکثر نقاط دچار پسین‌شدگی-افراستگی شده و به [o:] تبدیل گشته است. همچنین، همخوان [v] جایگزین [h] شده است و این واژه ۸۲٪ [no:va:r] تلفظ می‌شود. در دو روستای قرقری و میلک، به علت حذف همخوان [h] واکه [a] به صورت [a:] تلفظ می‌شود و واژه ۷٪ به صورت [na:r] کاربرد دارد. در سه روستای شرکت چاه بالا، لنگر، علی احمد، علاوه بر حفظ همخوان [h] که به ندرت به کار می‌رود، افزایش واکه‌ای نیز صورت گرفته است و واژه ۴٪ [nahr] تلفظ می‌شود. در روستاهای شرکت چاه بالا و لنگر، صورت [ju:]، که یک تنوع واژگانی است، نیز کاربرد دارد. نقشه شماره ۹ توزیع تنوع مشاهده‌شده در واژه «نهر» را نمایش می‌دهد.



نقشه ۹. نقشه توزیع واژه «nahr»



شکل ۶. تنوع واکه‌ای افتادگی-پیشین‌شدگی

**الف) افتادگی-پیشین‌شدگی واکه [o] و تبدیل آن به [a]**  
 PH33 [bordan], PH32 [mordan], PH31 [pošt] «پشت»، «مردن» و «بردن». این تنوعات نشان می‌دهند که /u/ دوره میانه [pušt], [murdan] و [burdan] (مکنزی، ۱۹۷۱: ۲۰، ۵۷ و ۶۹) که در فارسی معیار به [o] تبدیل شده است، در اکثر نقاط، [a] تلفظ می‌شود و این واژه‌ها در گویش سیستانی در این دو بخش به ترتیب ۹۳٪، ۸۹٪ و ۸۹٪ به صورت [pošt], [marda:] و [barda:] تحقق یافته‌اند؛ بنابراین، افتادگی-پیشین‌شدگی صورت گرفته است. فقط، در لنگر، این واکه در تمام این واژه‌ها ۷٪ به همان صورت فارسی معیار و در دو روستای شرکت چاه بالا و علی احمد، فقط در PH32 و PH33 ۴٪ به صورت فارسی معیار اما با حذف [n] از پایان واژه تلفظ می‌شود که با این حذف، واکه قبل از آن به صورت کشیده به کار می‌رود.

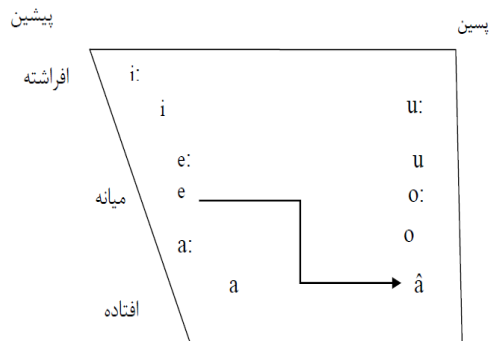
PH34 [morq] «مرغ». این واژه نشان می‌دهد که واکه [o] فارسی معیار، در بیشتر نقاط مورد پژوهش، به [a] تبدیل شده و بنابراین افتادگی-پیشین‌شدگی واکه‌ای صورت گرفته است. این واژه ۸۹٪ به صورت [mary] به کار می‌رود. واکه این واژه فقط در سه نقطه شرکت چاه بالا، لنگر و علی احمد، به میزان ۱۱٪ به همان صورت فارسی معیار به کار می‌رود. صورت دوره میانه آن [kark] بوده است (مکنزی، ۱۹۷۱: ۵۰).

### پسین‌شدگی-افراستگی واکه‌ای

در شکل زیر تنوع واکه‌ای که در آن پسین‌شدگی-افراستگی صورت گرفته نشان داده شده است.

### پسین‌شدگی- افتادگی واکه‌ای

در شکل زیر تنوع واکه‌ای که در آن پسین‌شدگی-افتادگی صورت گرفته نشان داده شده است.



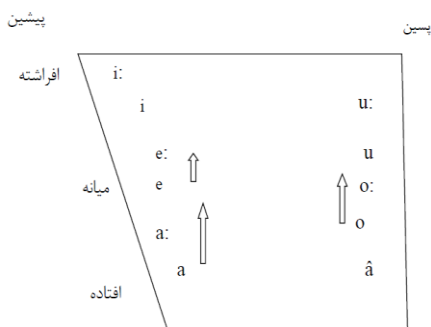
شکل ۸. تنوع واکه‌ای پسین‌شدگی-افتادگی

صورت فارسی معیار و در روستاهای پیری، شغالک، شه‌نواز و خمر، ۱۱٪ به صورت [pe:tow] گفته می‌شود که احتمالاً تحت تاثیر همزیستی با بلوچ‌زبان‌ها این واژه قرض گرفته شده است؛ این واژه در بین بلوچ‌زبان‌های منطقه به معنای «آفتاب» است.

PH41 [mâhi:] و PH40 [târi:k] به ترتیب: «تاریک» و «ماهی». در این دو واژه، دورهٔ میانه [mâhi:g] [târi:g/k] (مکنزی، ۱۹۷۱: ۱۷ و ۸۲)، در اکثر نقاط مورد پژوهش، ۸۲٪ حفظ شده است. در پنج نقطه، آن هم فقط در بخش میانکنگی، واکهٔ [â] به واکهٔ مرکب [ow] تبدیل شده و این واژه‌ها ۱۸٪ به صورت [mowi], [towrik] تلفظ می‌شوند. یکی از آن پنج نقطه روستای ملاعلی است و می‌توان این تغییر واکه‌ای را از خصوصیات بارز این روستا به حساب آورد.

### کشش واکه‌ای<sup>۱</sup>

در شکل زیر تنوعات واکه‌ای که در آنها کشش واکه‌ای صورت گرفته نشان داده شده است.



شکل ۹. تنوعات واکه‌ای کشیدگی

کشش واکه‌ای معمولاً در نتیجهٔ حذف بعضی از همخوان‌ها صورت می‌گیرد. همچنین، وقوع واکه‌ها در مجاورت بعضی همخوان‌ها از جمله همخوان [r] سبب کشش آنها می‌شود. کشش واکه‌ای از ویژگی‌های بارز گویش سیستانی در دو بخش مورد پژوهش است.

### الف) کشش واکهٔ [e] و جایگزینی آن با [e:]

PH42 [behtar]، PH43 [nehbandân]، به ترتیب: «بهتر» و «نهبندان». این تنوعات نشان می‌دهند که واکهٔ [e] دورهٔ میانه (مکنزی، ۱۹۷۱: ۸۹) [weh] به خاطر اینکه [h] دورهٔ میانه و فارسی معیار، در گویش سیستانی، در جایگاه میانی و پایانی به تلفظ درنمی‌آید و ارزش واجی ندارد، با واکهٔ بلند [e:] جایگزین می‌شود و

۱. کشش واکه‌ای در گویش سیستانی هم مشخصهٔ آوایی و هم مشخصهٔ واجی است که در اینجا مشخصهٔ آوایی آن مد نظر است.

### الف - پسین‌شدگی-افتادگی واکهٔ [e] و تبدیل آن به [â]

PH36 [ʔeynak]، «عینک». این واژه نشان می‌دهد که توالی واکهٔ [e] و غلت [y] [ey] در اکثر نقاط به واکهٔ [â] تبدیل شده و پسین‌شدگی-افتادگی روی داده است. واژه ۷۸٪ [âynak] تلفظ می‌شود. در روستاهای بزی و شرکت چاه بالا، به واکهٔ مرکب [ow] تبدیل گشته و واژه ۷٪ به صورت [ownak] و در روستاهای ملاعلی و پیری، ضمن تبدیل به [ow]، واکهٔ [i] نیز اضافه می‌شود؛ واژه ۷٪ [owinak] تلفظ می‌شود. در روستای کریم‌کشته، این واکه حفظ شده و ۴٪ به همان صورت فارسی معیار تلفظ می‌شود. در روستای لنگر، ۴٪ سه صورت [eynak], [ownak], [owinak] کاربرد دارد.

### مرکب‌شدگی واکه‌ای

#### الف) مرکب‌شدگی واکهٔ [â] و تبدیل آن به [ow]

PH39 [ʔâftâb]، PH37 [ʔâb]، PH38 [xâb]، به ترتیب: «آب»، «خواب»، «آفتاب». صورت فارسی میانه PH37 و PH38، [âb] و [xwâb] است (مکنزی، ۱۹۷۱: ۱، ۹۵) که در این دو بخش، زنجیرهٔ [âb] دورهٔ میانه در انتهای این تنوعات به صورت [ow] کاربرد دارد. در واقع، یک واکهٔ ساده تبدیل به واکهٔ مرکب شده است. این واژه‌ها به ترتیب ۷۸٪، ۱۰۰٪ و ۸۶٪ به صورت [a:ftow]، [ow]، [xow] تحقق یافته‌اند. واژهٔ [ʔâftâb] در دورهٔ میانه به صورت [xwar] (همان: ۹۵) بوده است. PH37، در روستای علی احمد، ۴٪ هم به صورت [ow] و هم به صورت تلفظ رایج در فارسی معیار گفته می‌شود و در روستاهای کریم‌کشته، شه‌نواز، میلک و غلام حیدر، به PH37 گاهی زنجیره [ke] افزوده می‌گردد و ۱۸٪ به صورت [owke] بیان می‌شود. همچنین، PH39 در روستای بزی به

**الف) حفظ واکه [a] و افراستگی در زمانی آن به [o]**  
PH48 [bexori:d]، «بخورید». این واژه نشان می‌دهد که واکه [a] دوره میانه (مکنزی، ۱۹۷۱: ۹۵) [xwardan] که در فارسی معیار به [o] تبدیل شده و افتادگی-پیشین‌شدگی صورت گرفته است، در این دو بخش، همان [a] تلفظ می‌شود و واژه به صورت [pxare] کاربرد دارد. فقط در سه روستای شرکت چاه بالا، لنگر و علی احمد در بخش میانکنگی، واکه به همان صورت فارسی معیار رایج است و واژه [boxore], [pxore] تلفظ می‌شود.

**ب) حفظ واکه [a] و افراستگی در زمانی آن به [e]**  
PH49 [xâne], PH50 [bahâne], PH51 [šâne]. به ترتیب: «خانه»، «بهانه» و «شانه». این تنوعات نشان می‌دهند که واکه [e] فارسی معیار در انتهای این واژه‌ها در دوره میانه (مکنزی، ۱۹۷۱: ۹۴، ۷۹) به صورت [a] بوده است و واژه‌ها به صورت [xânag], [bahânag], [šânag] کاربرد داشته‌اند. این واژه در فارسی معیار افراشته شده است. «تمامی واژه‌هایی که در فارسی میانه به پسوند [-ag] ختم می‌شدند، در فارسی جدید واج «g» از آخر آنها حذف می‌شود» (باقری، ۱۳۷۸: ۱۳۰)؛ اما گویش سیستانی تمامی روستاهای مورد پژوهش واکه [a] دوره میانه را حفظ کرده است و این واژه‌ها به ترتیب، ۱۰۰٪، ۸۹٪ و ۹۶٪ [xo:na], [bo:na], [šo:na] تلفظ می‌شوند. فقط در روستاهای شرکت چاه بالا و لنگر، در PH50، واکه پایانی به صورت فارسی معیار [e] است و واژه ۷٪ به صورت [bo:ne] کاربرد دارد. در روستای علی احمد، PH50 و PH51 ۴٪ به صورت [baâna], [šâna] به کار می‌رود.

PH52 [rame], PH53 [bande]، به ترتیب: «رَمه» و «بندِه». این تنوعات نشان می‌دهند که [e] پایانی فارسی معیار در دوره میانه به صورت [â] بوده است و این واژه‌ها به صورت [ramag], [bandag] کاربرد داشته‌اند (مکنزی، ۱۹۷۱: ۷۰، ۱۷). در تمامی نقاط دو بخش مورد پژوهش، در کاربرد تنوع PH52، به جز یک مورد در قلعه نو و نیز در کاربرد تنوع PH53، به جز یک مورد در قلعه کهنه، واکه [a] دوره میانه حفظ شده است؛ این واژه‌ها ۷۵٪ [remma], [benda], [rama] ۱۴٪، [remme] ۳٪، [bande], [rema] ۴٪ و [gala] ~ [remma] ۱۸٪ PH53 و [bande] ۴٪ [bende] و ۳٪ [banda] ~ [benda] تلفظ می‌شوند.

**ج) حفظ واکه [o:] و افراستگی در زمانی آن به [u:]**  
در ارتباط با این تنوع باید گفت که یکی از آواگروه‌ها یا واکه‌های مرکب فارسی باستان «آواگروه «au» بود که معادل اوستایی آن

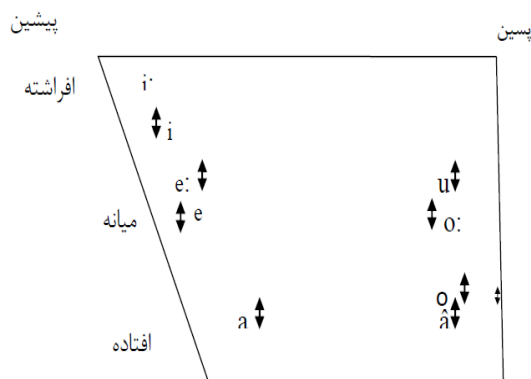
این واژه‌ها ۱۰۰٪ به صورت [ne:bando:], [be:ta:r] کاربرد دارد. لازار نیز درباره زبان گفتاری مردم تهران می‌گوید: «همخوان [h] در بیشتر موارد پس از هر واکه‌ای می‌افتد. در زبان گفتار، گاه [h] در هر موضعی، به استثنای آغاز واژه، حذف می‌شود؛ ولی بلندتر شدن واکه پیش از آن حذف آن را جبران می‌کند» (لازار، ۱۳۸۴: ۹، ۱۱ و ۱۲).

**ب) کشش واکه [o] و جایگزینی آن با [o:]**  
PH44 [zohr], PH45 [mohr]، به ترتیب: «ظهر» و «مهر». این تنوعات نشان می‌دهد که در گویش سیستانی این دو بخش، همخوان [h] در میان هجا حذف می‌شود و واکه بلند [o:] جایگزین واکه [o] فارسی معیار می‌شود؛ این واژه‌ها ۱۰۰٪ [zo:r] و [mo:r] تلفظ می‌شوند. واژه [zohr] در دوره میانه [rabih] (مکنزی، ۱۹۷۱: ۷۰) بوده است.

**پ - کشش واکه [a] و جایگزینی آن با [a:]**  
PH46 [sar], PH47 [kamar]، به ترتیب: «سر» و «کمر». این تنوعات و تعدادی دیگر که در اینجا ذکر نشده‌اند نشان می‌دهند که واکه [a] فارسی معیار و دوره میانه (مکنزی، ۱۹۷۱: ۷۴، ۴۹) قبل از همخوان [r] کشیده [a:] تلفظ می‌شوند؛ این واژه‌ها، در دو بخش مورد پژوهش، ۹۶٪ به صورت [sa:r], [kma:r] کاربرد دارند؛ اما در ترکیب اضافی، بدون کشش واکه‌ای تلفظ می‌شوند. فقط در روستای علی احمد، PH47 ۴٪ به همان صورت فارسی معیار و دوره میانه [kamar] کاربرد دارد. در روستای میرزاخون، برای PH46 صورت [kalla]، که یک تنوع واژگانی محسوب می‌شود، نیز رایج است.

### حفظ واکه‌های دوره میانه

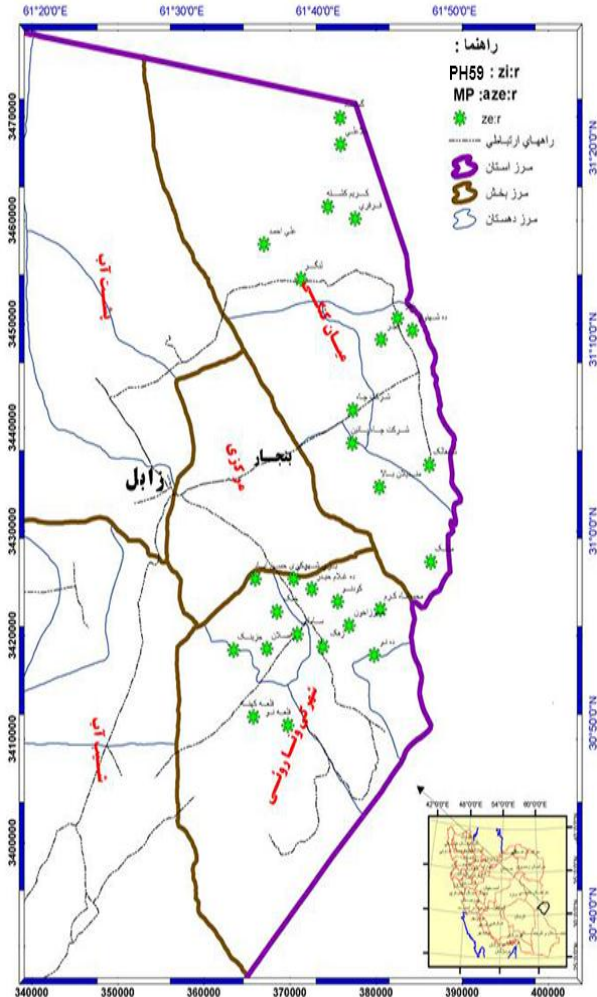
در شکل زیر تنوعات واکه‌ای که در آنها حفظ واکه‌های فارسی میانه صورت گرفته نشان داده شده است.



شکل ۱۰. متغیرهای حفظ‌شدگی واکه



به کار می‌برند. حفظ واکه [e:] دوره میانه از دیگر ویژگی‌های بارز گویش سیستانی این دو بخش است. توزیع واژه «زیر» در نقشه شماره ۱۰ نمایش داده شده است.



نقشه ۱۰. نقشه توزیع واژه «[zi:r]»

### ج) حفظ واکه [u] و افتادگی در زمانی آن به [o]

PH62 [mošt], «مشت». این واژه نشان می‌دهد که واکه [u] فارسی میانه که در فارسی معیار دچار افتادگی شده است و به صورت واکه ساده [o] تلفظ می‌شود در تمامی نقاط مورد پژوهش حفظ شده است و این واژه ۹۳٪ به همان شکل فارسی میانه، یعنی به صورت [mušt] تلفظ می‌شود. در روستای قلعه کهنه و غلام حیدر، صورت [yāmušt] نیز رایج است.

### تنوعات بسیط‌شدگی واکه‌های مرکب

«هرگاه در جریان تولید یک واکه، اندام‌های گویایی پیوسته حالت‌های

«ao» بوده است.» این آواگروه «در دوره میانه بدل به [واکه کشیده] «ō» [o:] و در دوره جدید بدل به «ū» [u:] می‌گردد» (باقری، ۱۳۸۰: ۴۸). گویش سیستانی این دو بخش صورت زیرین [o:] را از دوره میانه حفظ کرده است.

[du:š] PH57, [ru:z] PH56, [gu:š] PH55, [ru:d] PH54 به ترتیب: «رود»، «گوش»، «روز» و «دوش». این تنوعات نشان می‌دهند که [o:] دوره میانه [do:š], [ro:z], [go:š], [ro:d] (مکنزی، ۱۹۷۱: ۲۷، ۳۷ و ۷۲) که در فارسی معیار افراشته [u:] تلفظ می‌شود، در گویش سیستانی این دو بخش کاملاً بدون تغییر و با کشش واکه‌ای موجود در دوره میانه به ترتیب ۱۰۰٪، ۹۶٪، ۱۰۰٪ و ۹۶٪ نیز به کار می‌رود. فقط در روستای علی احمد، ۴٪ به صورت [u:] در واژه [gu:š] تلفظ می‌گردد. حفظ واکه [o:] دوره میانه از ویژگی‌های بارز گویش سیستانی در این دو بخش می‌باشد.

### د) حفظ واکه [o] و تبدیل در زمانی آن به [u:]

PH58 [gu:sfand], «گوسفند»: این واژه نشان می‌دهد که واکه [o:] دوره میانه (مکنزی، ۱۹۷۱: ۳۷) [go:spand] که در فارسی معیار در این واژه افراشته شده و [u:] تلفظ می‌شود، در این دو بخش حفظ شده است؛ این واژه ۷۹٪ [gosfe:] و ۱۴٪ [gospe:] تلفظ می‌شود که فقط کشش واکه‌ای دوره میانه آن حذف شده است. در بزلی و علی احمد، ۷٪ به صورت [gospand] رایج است.

### ه) حفظ واکه [e:] و تبدیل در زمانی آن به [i:]

در راستای تحولات واکه‌ای، «یکی از آواگروه‌های فارسی باستان «ai» بود که معادل آن در زبان اوستایی «ae» است. [...] معمول‌ترین تحول این آواگروه آن است که در دوره میانه به مصوت [واکه] کشیده «ē» [e:] و در دوره جدید به مصوت [واکه] کشیده «ī» [i:] بدل می‌شود» (باقری، ۱۳۸۰: ۴۴). گویش سیستانی این دو بخش صورت اصلی و زیرین دوره میانه را حفظ کرده است.

PH59 [zi:r], PH60 [ši:r], PH61 [bi:l], به ترتیب: «زیر»، «شیر» و «بیل». این تنوعات نشان می‌دهند که واکه [e:] دوره میانه (مکنزی، ۱۹۷۱: ۱۶، ۱۸ و ۷۹) که در فارسی معیار افراستگی پیدا کرده است و [i:] تلفظ می‌شود، در تمامی نقاط مورد پژوهش، بدون تغییر حفظ شده است و به همان صورت فارسی میانه [e:] تلفظ می‌شود؛ این واژه‌ها در هر دو بخش ۱۰۰٪، ۱۰۰٪ و ۹۳٪ به صورت [ze:r], [še:r], [be:l] کاربرد دارند. دو روستای شرکت چاه بالا و لنگر PH61 را ۷٪ به صورت فارسی معیار [bi:l]

**ب) ساده‌سازی توالی واکه و غلت [ey] و تبدیل آن به [e:]**  
 PH64 [heyrân]، «حیران»: این واژه نشان می‌دهد که توالی واکه و غلت [ey] در تمامی نقاط به صورت واکه ساده [e:] در آمده است و این واژه ۸۹٪ به صورت [ʔe:ro:] کاربرد دارد؛ به جز در سه روستای قجر، شرکت چاه بالا و علی احمد که واژه ۱۱٪ به صورت [ʔe:rân] به کار می‌رود.

### بحث و نتیجه‌گیری

بررسی توزیع جغرافیایی تنوعات واکه‌ای مورد پژوهش و نقشه‌های مربوط به آنها نشان می‌دهد که گویش سیستانی در دو بخش شهری-نارویی و میانکنگی یکپارچه است و واحدهای زبانی تا حد نسبتاً زیادی مشابه هم به کار می‌روند. این یکپارچگی گویشی در بخش شهری-نارویی خیلی بیشتر از منطقه میانکنگی به چشم می‌خورد. تفاوت‌ها و ویژگی‌های زبانی در دو منطقه در مقایسه با فارسی معیار عبارتند از:

۱. فرایند افراستگی واکه‌ای در این دو بخش به طور قابل ملاحظه‌ای مشاهده می‌شود. افراستگی واکه‌ای [â] به [o:] در زنجیره [â:n]، [âm] در پایان هجا، [a] به [e]، [o] به [u] و [u:] تقریباً به طور گسترده در دو بخش صورت می‌گیرد. افراستگی و مرکب‌شدگی واکه‌ای یعنی تبدیل [â] به [ow] در پنج روستا به‌ویژه روستای ملاحظه‌ای صورت می‌گیرد. این تغییر واکه‌ای از ویژگی‌های بارز رفتار زبانی مردم این روستاست.

۲. فرایند افتادگی واکه‌ای [o] به [â]، [e] به [a]، [u:] به [o]، [i:] به [e] و افتادگی-پیشین‌شدگی [o] به [a] و افتادگی-پسین‌شدگی [e] به [â] در روستاهای مورد بررسی به طور قابل ملاحظه‌ای مشاهده می‌شود. در این فرایند بیشترین تغییر تلفظی در واژه [ʔeynak] است.

۳. فرایند پیشین‌شدگی واکه‌ای [â] به [a] و [u:] به [i]، [o] به [e] و همچنین افراستگی-پیشین‌شدگی واکه‌ای [o] به [i:]، [â] به [i:] و [e]، در دو بخش، به صورت گسترده قابل مشاهده است. از این میان، بیشترین تغییر تلفظی را می‌توان در واژه [zânu:] ملاحظه کرد.

۴. فرایند پسین‌شدگی و پسین‌شدگی-افراستگی واکه‌ای در مقایسه با فرایندهای ذکرشده در بالا کمتر صورت می‌گیرد. در این دو بخش، تبدیل [i:] به [u] و [a] به [o] ملاحظه می‌شود.

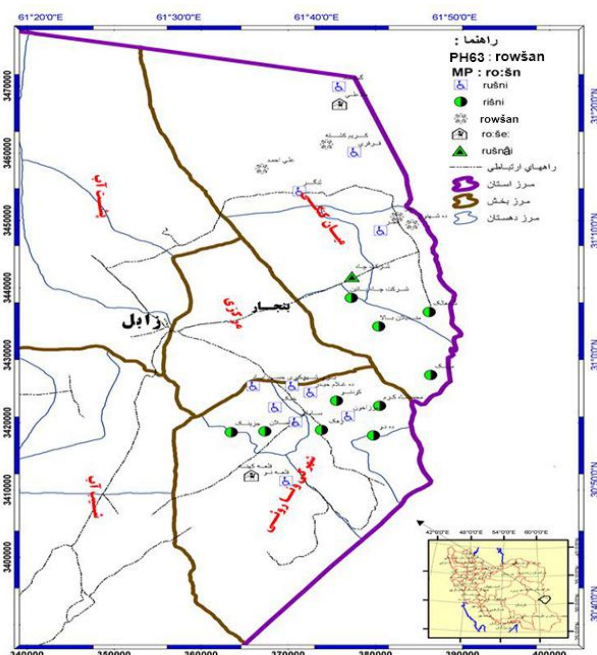
۵. کشش واکه‌ای و حفظ آن از فارسی میانه، به عنوان یک ویژگی واجی ممیز معنا، ویژگی آوایی گویش سیستانی این دو بخش است؛ از آن جمله می‌توان به جایگزینی [e] با [e:]، [o] با [o:]، [a] با [a:] اشاره کرد.

۶. حفظ واکه‌های دوره میانه که در فارسی معیار دچار افراستگی یا

خود را عوض کنند، به شیوه‌ای که در تمام مراحل تولید، شکل لب‌ها، ارتفاع و حالت زبان همواره دستخوش تغییری تازه گردند، آن واکه را مرکب گویند» (حق‌شناس، ۱۳۸۰: ۱۰۵). در گونه‌های مورد مطالعه گویش سیستانی واکه‌های مرکب [ow] و [ey] فارسی معیار روند بسیط‌شدگی را در پیش گرفته و در قالب فرایند ساده‌سازی واکه‌ای تنوعات قابل توجهی را رقم زده‌اند.

### الف) ساده‌سازی واکه مرکب [ow] و تبدیل آن به [i]

PH63 [rowšan]، «روشن»: این واژه نشان می‌دهد که واکه [o:] دوره میانه [ro:šn] (مکنزی، ۱۹۷۱: ۷۲) که در فارسی معیار به صورت واکه مرکب [ow] تلفظ می‌شود، در گویش سیستانی این دو بخش، در وسط دو همخوان بسته‌تر تلفظ می‌شود. بنابراین در ده نقطه افراستگی روی داده، به صورت واکه [u] تلفظ می‌شود؛ این واژه در این نقاط ۳۹٪ صورت [rušni] را گرفته است. در ده نقطه هم افراستگی-پیشین‌شدگی روی داده و به صورت واکه ساده [i] تلفظ می‌شود؛ این واژه در این نقاط ۳۶٪ صورت [rišni] را دارد. در دو روستای ملاحظه‌ای و قلعه کهنه، [o:] دوره میانه حفظ شده است و واژه ۷٪ [ro:še:] تلفظ می‌شود. در روستاهای شه‌نواز، خمر، کریم‌کشته و ملاحظه‌ای، ۱۴٪ صورت فارسی معیار به کار می‌رود. در شرکت چاه بالا، ۴٪ صورت [rušnai] کاربرد دارد. توزیع تنوعات مشاهده‌شده در واژه «روشن» در نقشه شماره ۱۱ ارائه شده است.



نقشه ۱۱. نقشه توزیع واژه «rowšan»



افتادگی شده‌اند، در این دو بخش قابل ملاحظه است؛ از آن جمله می‌توان به حفظ واکه [o:] در تنوعات [ro:z] و [go:š] که در فارسی معیار به [u:] تبدیل شده و حفظ واکه [e:] در تنوعات [ze:r] و [še:r] که در فارسی معیار به [i:] تبدیل شده‌اند، اشاره کرد.

۷. بسیط‌شدگی یا ساده‌سازی واکه مرکب در این دو بخش مشاهده می‌شود؛ ساده‌سازی واکه مرکب [ey] و تبدیل آن به [e:] در واژه [?e:ro:] → [heyran] از آن جمله است.

۸. مرکب‌شدگی واکه‌های ساده نیز در روستاهای دو بخش دیده می‌شود. این فرایند به‌ویژه در زنجیره [âb] در پایان هجا در تنوعاتی مانند [âb] و [xâb] و تبدیل آنها به [ow] و [xow] قابل ملاحظه است.

همان طور که در تجزیه و تحلیل داده‌ها ملاحظه گردید، به جهت وجود پاره‌ای از تفاوت‌ها در رفتار زبانی گویشوران، برای گویش سیستانی در دو بخش شهرکی-نارویی و میانکنگی باید لهجه‌هایی قابل شد. لهجه‌ای که در این منطقه تمایز بیشتری دارد لهجه بارانی است که در میان طایفه بارانی دامدار رایج است؛ تفاوت گویشی در بستر جغرافیایی را می‌توان در این لهجه به خوبی مشاهده کرد. این طایفه در فصل خاصی از سال دام خود را به نهندان و سریش می‌برند و آنجا سکونت می‌کنند؛ به همین دلیل مجبورند با افراد آن منطقه فارسی صحبت کنند؛ در نتیجه، در رفتار زبانی آنها تغییرات قابل ملاحظه‌ای روی داده است به طوری که افعال را به صورتی بسیار نزدیک به تلفظ آنها در فارسی معیار تلفظ می‌کنند. طایفه لکزایی که در روستای علی احمد زندگی می‌کنند به همان لهجه بارانی اما با تغییراتی بسیار اندک صحبت می‌کنند. جزئیات بیشتر تفاوت‌های رفتار زبانی افراد در نقاط مختلف دو بخش مورد پژوهش بر روی نقشه‌های زبانی قابل ملاحظه است.

با توجه به این موارد و همچنین با ملاحظه نقشه‌ها مشخص می‌شود که تغییر زبانی در بستر جغرافیایی وجود دارد؛ این تغییر در مناطق پراکنده‌تر «میانکنگی» نسبت به مناطق متراکم «شهرکی-نارویی» کمی بیشتر است؛ اما به طور کلی تغییرات زبانی در این دو بخش در مقایسه با هم جزئی است.

## منابع

- اویسی‌پور، محسن (۱۳۷۴). بررسی و توصیف گویش سیستانی در منطقه پشت آب. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه مشهد.
- آهنگر، عباسعلی (۱۳۸۲). توصیف دستگاه واجی گویش سیستانی. مجله گویش‌شناسی (ضمیمه نامه فرهنگستان). دوره اول، ش ۱، ۴-۳۱.
- باقری، مه‌ری (۱۳۷۸). مقدمات زبان‌شناسی. تهران: قطره

باقری، مه‌ری (۱۳۸۰). واج‌شناسی تاریخی زبان فارسی. تهران: قطره.

برجسته دلفروز، بهروز (۱۳۷۲). واژه‌نامه ریشه‌شناسانه و تطبیقی گویش سیستانی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه شیراز.

برجسته دلفروز، بهروز (۱۳۷۵). دستگاه واجی گویش سیستانی. مجله علوم انسانی دانشگاه سیستان و بلوچستان، سال دوم، ش ۱، ۱۱۲-۱۳۲.

جهانگیری، نادر (۱۳۶۵). لهجه‌شناسی و جغرافیا. مجموعه مقالات سمینار جغرافی (۱). بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی.

جهانگیری، نادر (۱۳۷۸). زبان: بازتاب زمان، فرهنگ و اندیشه (مجموعه مقالات). تهران: آگاه.

حق‌شناس، علی‌محمد (۱۳۸۰). آواشناسی (فوتتیک). تهران: نقش جهان.

خزاعی اصفهانی، منیژه (۱۳۸۹). بررسی توصیفی ساخت‌واژه گویش سیستانی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه سیستان و بلوچستان.

خسروی، فهیمه (۱۳۸۶). تأثیر تنوعات اجتماعی و جغرافیایی بر گفتار گویشوران شهر زابل و روستای سکوه بر پایه نظریه ویلیام لایو. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه پیام نور تهران.

دوستی، محمد (۱۳۸۰). بررسی توصیفی ساخت واجی، تصریفی و اشتقاقی واژه در گویش سیستانی ادیمی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه شیراز.

لازار، ژیلبر (۱۳۸۴). دستور زبان فارسی معاصر. ترجمه مهستی بحرینی. تهران: هرمس.

محمدی خُکم، جواد (۱۳۷۹). واژه‌نامه سکایی (فرهنگ لغات سیستانی). تهران: سروش.

هاشم‌زاده، نازیلا (۱۳۹۲). سالنامه آماری استان سیستان و بلوچستان ۱۳۹۰. معاونت برنامه‌ریزی و اشتغال استانداری سیستان و بلوچستان.

Ahangar, A. A. (2010). A study of the Verb System in the Sistani Dialect of Persian. *Orientalia suecana*, 59, 5-44.

Chambers, J. K. & P. Trudgil (2004). *Dialectology*, 2<sup>nd</sup> edition. Cambridge: Cambridge University Press.

Labov, W. (1966). *The Social Stratification of English in New York City*. Washington: Center of Applied Linguistics.

Labov, W. (1972). *Sociolinguistic Patterns*. Philadelphia: University of Pennsylvania Press.

Lazard, G. (1974). Morphologie du Verbe dans le Parler Persian du Sistan. *Studia Iranica*, 3, 65-85.

Mackenzie, D. N. (1971). *A Concise Pahlavi Dictionary*. London: Oxford University Press.

MacKenzie, D. N., N. Sims-Williams, & Others (2003). Iran: iii. Languages. In: P. Bearman, Th. Bianquis, C.E. Bosworth, E. van Donzel, W.P. Heinrichs (Eds), *The Encyclopaedia of Islam*, (pp. 425-448). Leiden: Brill.

- Okati F., A. A. Ahangar & C. Jahani (2009). The Status of [h] and [ʔ] in Sistani Dialect of Miyankangi. *Iranian Journal of Applied Language Studies*, 1(1), 80-99.
- Okati, F. (2008). A Phonological Description of the Iranian Sistani Dialect of Miyankangi. MA Thesis,

- University of Sistan and Balouchestan.
- Windfuhr, G. L. (1989). New Iranian Languages. In: R. Schmitt (Ed.), *Compendium Linguarum Iranicarum*, (pp. 246-250). Wiesbaden: Ludwig Reichert Verlag.